



محدودیت‌ها هم مانع از ریزش دوباره بازار سرمایه نشد

نگاه بدبینانه بورس به اوضاع منطقه

همدلی | گروه اقتصاد: روز گذشته و با وجود ایجاد محدودیت دامنه نوسان قیمت سهام، ارزش معاملات سهام ۴۸ درصد افت کرد و شاخص کل بورس تهران هم هزار و ۸۵ واحد نسبت به روز کاری گذشته پایین‌تر ایستاد و به سطح ۲ میلیون و ۵ هزار و ۶۰۸ واحد رسید به گزارش همدلی، دیروز شاخص کل هم‌وزن بورس نیز با ریزش ۸۲۸ واحدی در رقم ۶۲۷ هزار و ۲۲ واحدی ایستاد. شاخص کل فرابورس ۳ واحد افت کرد و به رقم ۲۰ هزار و ۷۴۴ واحد رسید و شاخص هم‌وزن فرابورس نیز با کاهش ۲۴۰ واحد به سطح ۱۰۹ هزار و ۷۲۲ واحد رسید.

صفحه ۲

بالا گرفتن تنش در منطقه میدان بر دیپلماسی سایه می‌اندازد؟

تعویق در معرفی کابینه

به مجلس شورای اسلامی ارسال خواهد شد و مجلس دو هفته فرصت دارد تا وزرای پیشنهادی را بررسی کند و سپس در صحن علنی مجلس جلسه‌ای اعتماد وزرای پیشنهادی دولت چهاردهم برگزار شود.

این درحالی است که بعد از تحلیف اعلام شده بوده فهرست وزرای کابینه چهاردهم تا روز یکشنبه سیزدهم مرداد ماه اعلام خواهد شد. سخنگوی هیئت رئیس مجلس دیروز در این باره گفته، احتمالاً تا آخر هفته لیست وزرای پیشنهادی دولت چهاردهم

همدلی | آرزو بخشنده: دیروز خبری منتشر شد درباره اینکه "پزشکیان" در نامهای به "قالیباف" خواستار تعویق کوتاه در معرفی کابینه شده و دلیل این گونه عنوان شده که پزشکیان و افراد تصمیم‌گیر در این زمینه به جمع‌بندی نهایی نرسیده‌اند.



انتظار ۹ روزه ورزش دوستان ایران در المپیک به سر آمد
اکنون کشتی و امید مدال آوری

رفع فیلترینگ و پاسکاری قالیباف به وعده پزشکیان

همدلی | نماینده بوکان گفت: فیلترینگ باعث شده که بچه‌های مردم به همه چیز دسترسی پیدا کنند چون از فیلتر شکن استفاده می‌کنند و دیگر مسیر محتوای مخرب و نامناسب به روی آن‌ها بسته نیست. اگر این فیلتر کردن شما را به هدف رسانده فیهما، ولی شما را به هدف نرسانده خوب وقتی چنین است وسیله و روش خود را عوض کنید.

جدا ل "قسیم عثمانی" در مجلس ادامه دارد

قیمت کالاها و خدمات بین ۲۷ تا ۳۴ درصد افزایش خواهند داشت

پیش بینی تورم در ۵ سناریو

نتائیاهاو:

با جنگ در چند جبهه به

رهبری ایران روبرو هستیم

سرمقاله

وفاق در داخل، افق در خارج؛
رویکردی برای پزشکیان



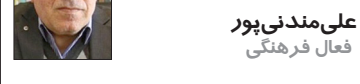
ولی‌الله شجاع‌پوریان
کارشناس ارشد
حقوق بین‌الملل

ترور و تروریسم با اشکال مختلف و متنوع آن به پدیده‌ای پرتکرار در قرن بیست و یکم تبدیل شده است، تروریسم دولتی به عنوان یکی از اشکال ترور بیش از هر کشوری در دولت نامشروع رژیم صهیونیستی نمود دارد، به‌گونه‌ای این رژیم اشغال‌گر مجری و طراح اعمال تروریستی در حتی بیرون از مرزهای موجودیت غیرقانونی خود می‌شود.

شرح در همین صفحه

یادداشت‌ها

جای "اخلاق" خالی است!



علی‌مندی‌پور
فعال فرهنگی

یکشنبه گذشته مراسم تنفیذ رئیس‌جمهور برگزار شد و به‌صورت رسمی سکان اجرایی کشور را در دست گرفت.

ایده وفاق برای ایران



محمدحسن علایی
جامعه‌شناس

جامعه‌شناسی در تبار غربی خویش در پیوند وثیق با فلسفه و فلسفه‌ورزی نضج گرفته و بالیده است...

سرمقاله

وفاق در داخل، افق در خارج؛
رویکردی برای پزشکیان

است بیش از ۱۰ ماه است که نتوانسته در غزه به موفقیتی دست پیدا کند، پیش از این اگر عملیاتی انجام می‌داد، این عملیات‌ها خارج از اراضی اشغالی و کوتاه‌مدت بود و از دیگر سو بر روی ظرفیت‌ها و توانمندی‌های گنبد آهنین تمرکز می‌کرد ولی در طی ۱۰ ماه گذشته همه این تبلیغات زیر سوال رفت و این رژیم ۱۰ ماه است که در داخل اراضی اشغالی درگیر است.

این دیپلمات جمهوری اسلامی ایران خاطر نشان کرد: نتائیاها و کابینه او در داخل اراضی اشغالی به شدت متزلزل هستند و از سوی دادگاه‌های بین‌المللی نیز تحت تعقیب قرار گرفته‌اند، بنابراین او هر کاری می‌کند تا بتواند به نوعی بر این شکست‌ها سرپوش بگذارد.

منشاسیاست‌های دیوانه‌وار نتائیاهاو

همهان پرست اظهار کرد: ۲ اتفاق مهم در چند هفته اخیر نتائیاهاو بود ولی با توجه به کنار رفتن باین و تصور می‌کرد که در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا رقابت بین باین و ترامپ باشد و با توجه به ضعف‌هایی که در باین وجود داشت شانس ترامپ را برای پیروزی برجسته می‌دید و در این زمینه بسیار امیدوار بود ولی با توجه به کنار رفتن باین از صحنه انتخابات و کاندیداتوری خانم هریس شانس او برای پیروزی در انتخابات افزایش پیدا کرده و احتمال شکست ترامپ زیاد شده است و باین باعث ناراحتی نتائیاهاو است چراکه او تصور می‌کند ترامپ از اسرائیل و جنایت‌های او حمایت بیشتری می‌کند.

سخنگوی پیشین وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران توضیح داد: در همین چارچوب باید با نام‌گذاری با سازمان‌های مختلف بین‌المللی از جمله سازمان ملل و شورای امنیت تاکید کنیم که رژیم صهیونیستی با این اقدام خود تعامیت ارضی ایران را زیر پا گذاشته و به عنوان یک سسند این موضوع را در سازمان ملل ثبت کنیم، همچنین باید در این زمینه با کشورهای عضو سازمان همکاری اسلامی رایزنی و گفت‌وگو کنیم.

او در ادامه گفت: موضوع «دیپلماسی عمومی» مهم است چنانکه باید برای افکار عمومی جهان مشخص شود که رژیم صهیونیستی تعامیت ارضی ایران را نادیده گرفته و دست به عمل جنایتکارانه زده است و در همین چارچوب وقتی این مقدمات انجام شود، الزام ایران در پاسخ به رژیم صهیونیستی نیز مشروع خواهد بود و کسی نمی‌تواند در این زمینه بهانه‌ای بیوارد.

درگیری ایران و آمریکا، راه نجات نتائیاهاو

مهمان پرست در پاسخ به این سوال که به نظر او هدف رژیم صهیونیستی از ترور اسماعیل هنیه و ارتباط با رژیم صهیونیستی هم به دنبال دادن پاسخ به خصوص شخص بنیامین نتائیاهاو تنها راه نجات خود را در شرایط فعلی درگیر کردن ایران و آمریکا در منطقه می‌داند، این رژیم به شدت تحت فشار

سرمقاله

تحلیل "مهمان پرست" از شیوه پاسخگویی ایران به ترور هنیه؛
پاسخ پشیمان‌کننده، نه احساسی

سخنگوی پیشین وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران گفت تهران هم به دنبال دادن پاسخ پشیمان‌کننده به رژیم صهیونیستی خواهد بود و از دیگر سو اجازه نمی‌دهد توطئه‌های دشمنان اجرایی شود. به گزارش ایسنا، در پاسخ به این سوال که چرا کشورهای غربی در برابر اقدامات و جنایت‌هایی که رژیم صهیونیستی در منطقه انجام می‌دهد سکوت کرده‌اند و دیگر کشورها از جمله لبنان و ایران را دعوت به خویشنداری می‌کنند، گفت: علت اصلی این رفتارهای کشورهای غربی، استانداردهای دوگانه‌ای است که آن‌ها بر اساس آن عمل می‌کنند. او با بیان این‌که «آن‌ها در برابر واژه‌هایی چون حقوق‌پشیر، مقابله با تروریسم و مقابله با سلاح کشتار جمعی و غیره به عنوان ابزار برای اهریادهای سیاسی خود و محدود کردن کشورهای مستقل استفاده می‌کنند»، تصریح کرد: در همین چارچوب می‌بینیم که آن‌ها در برابر اقدامات رژیم صهیونیستی سکوت می‌کنند و اگر کشوری بخواهد به جنایت‌های این رژیم پاسخ دهد آن کشور را دعوت به خویشنداری می‌کند.

همهان پرست با اشاره به اقدام تروریستی رژیم صهیونیستی در ترور اسماعیل هنیه در تهران و ضرورت پاسخگویی ایران به این جنایت خاطر نشان کرد: ما باید با رعایت چارچوب قانون و انجام مقدمات لازم در این ارتباط عمل کنیم که کسی نتواند بهانه پیدا کند.

سخنگوی پیشین وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران توضیح داد: در همین چارچوب باید با نام‌گذاری با سازمان‌های مختلف بین‌المللی از جمله سازمان ملل و شورای امنیت تاکید کنیم که رژیم صهیونیستی با این اقدام خود تعامیت ارضی ایران را زیر پا گذاشته و به عنوان یک سسند این موضوع را در سازمان ملل ثبت کنیم، همچنین باید در این زمینه با کشورهای عضو سازمان همکاری اسلامی رایزنی و گفت‌وگو کنیم.

او در ادامه گفت: موضوع «دیپلماسی عمومی» مهم است چنانکه باید برای افکار عمومی جهان مشخص شود که رژیم صهیونیستی تعامیت ارضی ایران را نادیده گرفته و دست به عمل جنایتکارانه زده است و در همین چارچوب وقتی این مقدمات انجام شود، الزام ایران در پاسخ به رژیم صهیونیستی نیز مشروع خواهد بود و کسی نمی‌تواند در این زمینه بهانه‌ای بیوارد.

درگیری ایران و آمریکا، راه نجات نتائیاهاو

مهمان پرست در پاسخ به این سوال که به نظر او هدف رژیم صهیونیستی از ترور اسماعیل هنیه و ارتباط با رژیم صهیونیستی هم به دنبال دادن پاسخ به خصوص شخص بنیامین نتائیاهاو تنها راه نجات خود را در شرایط فعلی درگیر کردن ایران و آمریکا در منطقه می‌داند، این رژیم به شدت تحت فشار

سرمقاله

وفاق در داخل، افق در خارج؛
رویکردی برای پزشکیان

بیشتر ایران با دنیا ایجاد شده بود، هر چند در گذشته هم تمایل ایران برای ایجاد صلح و آرامش مشهود بود و بی‌عهدی کشورهای غربی، با عهدشکنی مانع حضور فعال ایران در عرصه بین‌الملل شدند، اما انتخاب دکتر پزشکیان و مشی و روش او و البته تا حدودی تجارب نظام در دهه اخیر در مواجهه با فشارها و تحریم‌ها، چشم‌انداز روشنی را پیش روی ایران قرار داده بود که بدبھی است چنین موقعیتی خوشایند رژیم اشغالگر اسرائیل نیست و قابل پیش‌بینی بوده که همه تلاش‌های خود را برای ضربه زدن به سیاست تنش‌زدایی ایران و تعامل با دنیا به کار بگیرد، که ترور اسماعیل هنیه در همین مسیر ارزیابی می‌شود. واکنش ایران به این اقدام بزدلانه باید مبتنی بر عزت، حکمت و مصلحت و البته عقلائی باشد، ابتدا باید دولت جدید به صورت رسمی و قانونی مستقر شود، اعضای کابینه معرفی و رسمیت یابند، در ادامه باید بازبینی و اصلاح ساختاری و عمیق در لایه‌های امنیتی کشور صورت گیرد، متأسفانه به‌رغم تلاش‌ها و دلاوری‌های نیروهای اصیل امنیت و اطلاعات کشور، گسترده‌تر شدن موضوع نفوذ در ساختار نظام‌های امنیتی و اطلاعاتی، احتمال آسیب‌پذیری کشور را افزایش داده‌است، از این رو لازم است که در یک فرصت مناسب تخصصی، تعهد، شایسته‌سالاری و کاردانی جایگزین ظاهر، دورویی، نفاق، باندبازی و سیاست‌زدگی شود. در این مسیر نیروهای امنیتی و اطلاعاتی باید از زنده‌ترین، باهوش‌ترین و توانمندترین افراد کشور انتخاب و تربیت شوند؛ در غیر این صورت تکرار چنین فجایی با هر میزان از پاسخ از سوی ایران دور از انتظار نخواهد بود.

به اذعان بسیاری از تحلیل‌گران هدف اسرائیل از این اقدامات خشونت‌بار، مانع‌تراشی در برابر توسعه و پیشرفت ایران است، چه بسا می‌توان با قدری مسامحه و تأمل در این جنایات پاسخی شایسته داد، پیشرفت و توسعه ایران، تعامل ایران با جهان برای استقرار صلح و آرامش، حضور بزرگ و موثر ایران در همه عرصه‌های جهانی، رفع تحریم‌ها و ارتباط حسنه با همسایگان خود بهترین پاسخ به سرگیجه اسرائیلی‌هاست، حصول این شرایط یعنی افزایش وقایع ملی که خود بزرگ‌ترین سرمایه برای کشور به شمار می‌آید، وفاق ملی در کنار افزایش توان نظامی به عنوان یکی از دستاوردهای دو سه دهه اخیر، جرات چنین تجاوزاتی را از این غده سرطانی خواهد گرفت. به نظر می‌رسد دولت پزشکیان در کنار ترویج گفت‌وگو وفاق ملی در سطح داخل باید از این تهدید، فرصتی برای تبیین گفت‌وگو در سطح بین‌الملل مبتنی بر مبارزه با تروریسم ایجاد کند، دولت پزشکیان به عنوان یک دولت قربانی تروریسم دولتی، در روز اول کاری خود و با وجود دیپلمات‌هایی توانمند و کاربلد در عرصه افق، مذاکره و دیپلماسی عمومی باید از امروز گفت‌وگو مبارزه با تروریسم را بسیار جدی‌تر، علمی‌تر و نهادینه‌شده‌تر از قبل طراحی، راهبردی و مدیریت کند، دو گفت‌وگو وفاق ملی در داخل و مبارزه افق‌ای با تروریسم در عرصه بین‌الملل می‌تواند دولت پزشکیان را در مسیری قرار دهد که مایه اقتدار ایران شود.

کارشناس ارشد حقوق بین‌الملل

جای "اخلاق" خالی است!

علی‌مندی‌پور _ یکشنبه گذشته مراسم تنفیذ رئیس‌جمهور برگزار شد و به‌صورت رسمی سکان اجرایی کشور را در دست گرفت. آمارها از نرخ‌ها و شاخص‌های تو می‌کننده اقتصادی در روز تحویل این مسئولیت‌کمرشکن به ایشان حکایت دارند. بی‌مناسبت ندیدم با هم، نگاهی بیندازیم به "برخ اخلاقی" در میان ایرانیان؛ اکسیری که روزی روزگاری در همه شاخص‌ها سرآمد بود و موجب سربلندی و افتخار مردمان این مرز و بوم. "هم او" که پیوسته وجودش مغفتم بود و در دایره "آن" عشق و محبت و مهر و وفا، برادری و برابری و یکرنگی و انصاف و مروت و وحشت و همدلی و تعاون و یاری و همکاری و ایثار و از خودگذشتگی و احترام به همنوع و رعایت حریم حرمت‌ها موج می‌زد. "اخلاق" را می‌گوییم، بله می‌خواهم از افول "اخلاق" در سرزمین هزار و یکشب و در گذر سال‌ها بگویم. بگویم که چگونه این "کیمیای سعادت" از سوی برخی‌ها، آرام آرام از این کهن سرزمین رخت برسته و امروزه شاهد کور سونی از انیم! البته اضافه کنم که همگان در کمرنگ کردن آن نقش داشته و داریم. بگویم که دیر زمانی است "اخلاق" عامی می‌با "شیبی ملایم در سرآشویی سقوط قرار گرفته و اگر با همین سرعت پیش برود که دارد می‌رود، در آینده‌ای نه چندان دور چیزی از "آن" به جا نخواهد ماند و آیندگان ما را نخواهند بخشید.

اما چرا و چگونه به اینجا رسیدیم؟ دروغ، این گناه بزرگ برایمان عادی شد، چشم‌ها را بر روی واقعیت‌ها بستیم، بی‌هوا و به راحتی از کنار ارزش‌ها و باورهای اعتقادی گذشتیم، تاریخ را پاس نداشتیم و آن را به هیچ انگاشتیم. نقش و جایگاه پیشینیان را به فراموشی سپردیم، به نام دین و به "کام قدرت" چه کارها که‌نکردیم، از گذشته‌ها فریادیم، و ریشه‌ها را نادیده گرفتیم و مزمره پربراندیشه‌ها را شخم زدیم، حریم‌ها را در نوردیده و حرمت‌ها را شکستیم. از مسئولیت "انسان بودن" و "انسان زیستن" دم زدیم، ولی در عمل از زیر بار "این مهم" شانه خالی کردیم. هر آنچه را که بر خود نپسندیدیم، بر دیگران پسندیدیم، پاسخ‌گوی رفتار و کردارمان نبودیم، همه حق را از آن خود و تمامی تکلیف را برعهده "دیگران" بار کردیم، آزادی اندیشه و بیان را برنهایتیدیم، جز به تأمین منافع و مصالح خود، نزدیکان، "همفکران" و هم‌راهان نپسندیدیم، هماره "سهم شیر" را برای خود، وابستگی و یاران گرمابه و گلستان کنار گذاشتیم، حقوق دیگران را نادیده گرفتیم، خود را نرفته جدا یافته قلمداد نمودیم، ریاء، تزویر و تقاضا پیشه کردیم، برای لقمه‌ای نان و دستیابی به جامه و جایگاهی چند روزه به هر حقت و خواری تن در دادیم، در راه رسیدن به مقصد از هر ابزاری بهره جستیم، خوبی‌ها را به نام خود و بدی‌ها را به پای دیگران نوشتیم، با وعده‌های تو خالی و بدون پشتوانه سر خلق‌الله را شیوه مالیدیدیم، بی‌پیمان شکستیم، خشونت را چاشنی زندگی روزانه‌مان قرار دادیم، در کار بندگان خدا سنگ‌اندازی کردیم، به حریم خصوصی زندگی دیگران سسزک کشیدیم، کم فروشی پیشه کرده و گران فروختیم و پسوند "حبیب‌الله" را از نام "کاسب" زدودیم، با شعارهای ریاء و "امانی" اما بدون پشتوانه سرهندن رایه آیندماي موهوم دلخوش کردیم. تا توانستیم از همدیگر "شگشگون" گرفتیم و به یکدیگر بهتان بسته و پرونده‌ساری کردیم، به‌نام انقلابی‌گری تیغ تیز و بزنده "باند بازی و گروه‌گرایی" را از نیام برکشیدیم و تر و خشک را با هم سوزاندیم، توسعه را به بند کشیدیم و قید آنرا زدیم. سانسور را نهادینه، خود سانسوری را باب کرده و رسانه‌ها، بویژه رسانه‌های مستقل و روزنامه‌نگاران را در هممیز قرار دادیم. بر خوردهای گزینشی را باب نمودیم، بهترین‌ها را "واد" به فرار از "خانه پدری" کردیم. تخم تشمت و افتراق و استنفاق پراکندیم، اصل را بر گناهکار بودن "دیگران" گذاشته و خود را مبرزا دانستیم. طلسم و جادو و جنیل را وارد زندگی فردی و اجتماعی‌مان نمودیم و به خرافه‌گرایی جان نازماي بخشیدیم. برای پیشبرد بازی‌های سیاسی، تابلو گروه‌گرایی حیدری-نعمتی را با خط خوش بر در و دیوار محله‌ها نصب کردیم. نهادهای مدنی را محدود و گروه‌های مرجع را از میدان راندیم. حسادت، رقابت منفی و چشم‌هم‌چشمی را باب کردیم. فقر را فخر شمردیم، بیکاری را به بیشترین میزان رساندیم، مواد مخدر را به آسانی و درهر کوی و برزن در دسترس جوانان قرار دادیم. بنیان خانواده را سست و نرخ طلاق و جدایی‌ها را بالا بردیم. "ادواج سید" را جاتناختیم، رشد و پیشرفت را به کمتترین میزان در تاریخ چند هزار ساله رسانده و از این حیث چراغ خطر را برای آیندماي کشور روشن کردیم. علم و عالم را بی‌مقدار جلوه دادیم. دانشگاه و دانشجو را به سکون وسکوت و دانشتیم. هنر و هنرمندان را کوچک شمردیم. آموزش و پرورش این "کارخانه بزرگ انسان‌سازی" را به "پایگاه سیاست" برای سیاست‌بازان تبدیل کردیم. در یک کلام نسلی سرگردان، نا امید و سرخورده تحویل جامعه دادیم.

اینها و بیشتر از این‌ها، گوشه‌هایی هستند از صحنه‌هایی آشنا در قالب نمایشی غم‌انگیز، تکراری و ملال‌آور در ایران شهر من‌وتو! سرزمینی که این روزها جماعتی از ساکنانش "صفا از کور می‌زدند"، نان از لشکر گرسنگان دریغ می‌دارند. آب از تشنگان مضایقه کرده، تن پوش از اندام تحیف برهنگان به در آورده و پوستین وارونه می‌پوشند و در لباس میش، اما در حیثت گرگ دم‌ار از روزگار "گله‌هاشده و سرگردان آبادی" در آورده و همچنان به اذیت و آزار و باره کردن "گوسفندان"، میدبه و بی‌بانه مشغولند و امر و نهی می‌کنند. سوار بر خر مراد، بار خود را بسته، پلکان زرقی را با ترفندهای آن‌چسانی به‌سرعت طی کرده و در این آشفته بازار با بهره‌گیری از ابزارهای دراختیار خود را "خدمت‌گذار ملت" جا زده.

ادامه در صفحه ۵

سرمقاله

وفاق در داخل، افق در خارج؛
رویکردی برای پزشکیان

بیشتر ایران با دنیا ایجاد شده بود، هر چند در گذشته هم تمایل ایران برای ایجاد صلح و آرامش مشهود بود و بی‌عهدی کشورهای غربی، با عهدشکنی مانع حضور فعال ایران در عرصه بین‌الملل شدند، اما انتخاب دکتر پزشکیان و مشی و روش او و البته تا حدودی تجارب نظام در دهه اخیر در مواجهه با فشارها و تحریم‌ها، چشم‌انداز روشنی را پیش روی ایران قرار داده بود که بدبھی است چنین موقعیتی خوشایند رژیم اشغالگر اسرائیل نیست و قابل پیش‌بینی بوده که همه تلاش‌های خود را برای ضربه زدن به سیاست تنش‌زدایی ایران و تعامل با دنیا به کار بگیرد، که ترور اسماعیل هنیه در همین مسیر ارزیابی می‌شود. واکنش ایران به این اقدام بزدلانه باید مبتنی بر عزت، حکمت و مصلحت و البته عقلائی باشد، ابتدا باید دولت جدید به صورت رسمی و قانونی مستقر شود، اعضای کابینه معرفی و رسمیت یابند، در ادامه باید بازبینی و اصلاح ساختاری و عمیق در لایه‌های امنیتی کشور صورت گیرد، متأسفانه به‌رغم تلاش‌ها و دلاوری‌های نیروهای اصیل امنیت و اطلاعات کشور، گسترده‌تر شدن موضوع نفوذ در ساختار نظام‌های امنیتی و اطلاعاتی، احتمال آسیب‌پذیری کشور را افزایش داده‌است، از این رو لازم است که در یک فرصت مناسب تخصصی، تعهد، شایسته‌سالاری و کاردانی جایگزین ظاهر، دورویی، نفاق، باندبازی و سیاست‌زدگی شود. در این مسیر نیروهای امنیتی و اطلاعاتی باید از زنده‌ترین، باهوش‌ترین و توانمندترین افراد کشور انتخاب و تربیت شوند؛ در غیر این صورت تکرار چنین فجایی با هر میزان از پاسخ از سوی ایران دور از انتظار نخواهد بود.

به اذعان بسیاری از تحلیل‌گران هدف اسرائیل از این اقدامات خشونت‌بار، مانع‌تراشی در برابر توسعه و پیشرفت ایران است، چه بسا می‌توان با قدری مسامحه و تأمل در این جنایات پاسخی شایسته داد، پیشرفت و توسعه ایران، تعامل ایران با جهان برای استقرار صلح و آرامش، حضور بزرگ و موثر ایران در همه عرصه‌های جهانی، رفع تحریم‌ها و ارتباط حسنه با همسایگان خود بهترین پاسخ به سرگیجه اسرائیلی‌هاست، حصول این شرایط یعنی افزایش وقایع ملی که خود بزرگ‌ترین سرمایه برای کشور به شمار می‌آید، وفاق ملی در کنار افزایش توان نظامی به عنوان یکی از دستاوردهای دو سه دهه اخیر، جرات چنین تجاوزاتی را از این غده سرطانی خواهد گرفت. به نظر می‌رسد دولت پزشکیان در کنار ترویج گفت‌وگو وفاق ملی در سطح داخل باید از این تهدید، فرصتی برای تبیین گفت‌وگو در سطح بین‌الملل مبتنی بر مبارزه با تروریسم ایجاد کند، دولت پزشکیان به عنوان یک دولت قربانی تروریسم دولتی، در روز اول کاری خود و با وجود دیپلمات‌هایی توانمند و کاربلد در عرصه افق، مذاکره و دیپلماسی عمومی باید از امروز گفت‌وگو مبارزه با تروریسم را بسیار جدی‌تر، علمی‌تر و نهادینه‌شده‌تر از قبل طراحی، راهبردی و مدیریت کند، دو گفت‌وگو وفاق ملی در داخل و مبارزه افق‌ای با تروریسم در عرصه بین‌الملل می‌تواند دولت پزشکیان را در مسیری قرار دهد که مایه اقتدار ایران شود.

کارشناس ارشد حقوق بین‌الملل

جای "اخلاق" خالی است!

علی‌مندی‌پور _ یکشنبه گذشته مراسم تنفیذ رئیس‌جمهور برگزار شد و به‌صورت رسمی سکان اجرایی کشور را در دست گرفت. آمارها از نرخ‌ها و شاخص‌های تو می‌کننده اقتصادی در روز تحویل این مسئولیت‌کمرشکن به ایشان حکایت دارند. بی‌مناسبت ندیدم با هم، نگاهی بیندازیم به "برخ اخلاقی" در میان ایرانیان؛ اکسیری که روزی روزگاری در همه شاخص‌ها سرآمد بود و موجب سربلندی و افتخار مردمان این مرز و بوم. "هم او" که پیوسته وجودش مغفتم بود و در دایره "آن" عشق و محبت و مهر و وفا، برادری و برابری و یکرنگی و انصاف و مروت و وحشت و همدلی و تعاون و یاری و همکاری و ایثار و از خودگذشتگی و احترام به همنوع و رعایت حریم حرمت‌ها موج می‌زد. "اخلاق" را می‌گوییم، بله می‌خواهم از افول "اخلاق" در سرزمین هزار و یکشب و در گذر سال‌ها بگویم. بگویم که چگونه این "کیمیای سعادت" از سوی برخی‌ها، آرام آرام از این کهن سرزمین رخت برسته و امروزه شاهد کور سونی از انیم! البته اضافه کنم که همگان در کمرنگ کردن آن نقش داشته و داریم. بگویم که دیر زمانی است "اخلاق" عامی می‌با "شیبی ملایم در سرآشویی سقوط قرار گرفته و اگر با همین سرعت پیش برود که دارد می‌رود، در آینده‌ای نه چندان دور چیزی از "آن" به جا نخواهد ماند و آیندگان ما را نخواهند بخشید.

اما چرا و چگونه به اینجا رسیدیم؟ دروغ، این گناه بزرگ برایمان عادی شد، چشم‌ها را بر روی واقعیت‌ها بستیم، بی‌هوا و به راحتی از کنار ارزش‌ها و باورهای اعتقادی گذشتیم، تاریخ را پاس نداشتیم و آن را به هیچ انگاشتیم. نقش و جایگاه پیشینیان را به فراموشی سپردیم، به نام دین و به "کام قدرت" چه کارها که‌نکردیم، از گذشته‌ها فریادیم، و ریشه‌ها را نادیده گرفتیم و مزمره پربراندیشه‌ها را شخم زدیم، حریم‌ها را در نوردیده و حرمت‌ها را شکستیم. از مسئولیت "انسان بودن" و "انسان زیستن" دم زدیم، ولی در عمل از زیر بار "این مهم" شانه خالی کردیم. هر آنچه را که بر خود نپسندیدیم، بر دیگران پسندیدیم، پاسخ‌گوی رفتار و کردارمان نبودیم، همه حق را از آن خود و تمامی تکلیف را برعهده "دیگران" بار کردیم، آزادی اندیشه و بیان را برنهایتیدیم، جز به تأمین منافع و مصالح خود، نزدیکان، "همفکران" و هم‌راهان نپسندیدیم، هماره "سهم شیر" را برای خود، وابستگی و یاران گرمابه و گلستان کنار گذاشتیم، حقوق دیگران را نادیده گرفتیم، خود را نرفته جدا یافته قلمداد نمودیم، ریاء، تزویر و تقاضا پیشه کردیم، برای لقمه‌ای نان و دستیابی به جامه و جایگاهی چند روزه به هر حقت و خواری تن در دادیم، در راه رسیدن به مقصد از هر ابزاری بهره جستیم، خوبی‌ها را به نام خود و بدی‌ها را به پای دیگران نوشتیم، با وعده‌های تو خالی و بدون پشتوانه سر خلق‌الله را شیوه مالیدیدیم، بی‌پیمان شکستیم، خشونت را چاشنی زندگی روزانه‌مان قرار دادیم، در کار بندگان خدا سنگ‌اندازی کردیم، به حریم خصوصی زندگی دیگران سسزک کشیدیم، کم فروشی پیشه کرده و گران فروختیم و پسوند "حبیب‌الله" را از نام "کاسب" زدودیم، با شعارهای ریاء و "امانی" اما بدون پشتوانه سرهندن رایه آیندماي موهوم دلخوش کردیم. تا توانستیم از همدیگر "شگشگون" گرفتیم و به یکدیگر بهتان بسته و پرونده‌ساری کردیم، به‌نام انقلابی‌گری تیغ تیز و بزنده "باند بازی و گروه‌گرایی" را از نیام برکشیدیم و تر و خشک را با هم سوزاندیم، توسعه را به بند کشیدیم و قید آنرا زدیم. سانسور را نهادینه، خود سانسوری را باب کرده و رسانه‌ها، بویژه رسانه‌های مستقل و روزنامه‌نگاران را در هممیز قرار دادیم. بر خوردهای گزینشی را باب نمودیم، بهترین‌ها را "واد" به فرار از "خانه پدری" کردیم. تخم تشمت و افتراق و استنفاق پراکندیم، اصل را بر گناهکار بودن "دیگران" گذاشته و خود را مبرزا دانستیم. طلسم و جادو و جنیل را وارد زندگی فردی و اجتماعی‌مان نمودیم و به خرافه‌گرایی جان نازماي بخشیدیم. برای پیشبرد بازی‌های سیاسی، تابلو گروه‌گرایی حیدری-نعمتی را با خط خوش بر در و دیوار محله‌ها نصب کردیم. نهادهای مدنی را محدود و گروه‌های مرجع را از میدان راندیم. حسادت، رقابت منفی و چشم‌هم‌چشمی را باب کردیم. فقر را فخر شمردیم، بیکاری را به بیشترین میزان رساندیم، مواد مخدر را به آسانی و درهر کوی و برزن در دسترس جوانان قرار دادیم. بنیان خانواده را سست و نرخ طلاق و جدایی‌ها را بالا بردیم. "ادواج سید" را جاتناختیم، رشد و پیشرفت را به کمتترین میزان در تاریخ چند هزار ساله رسانده و از این حیث چراغ خطر را برای آیندماي کشور روشن کردیم. علم و عالم را بی‌مقدار جلوه دادیم. دانشگاه و دانشجو را به سکون وسکوت و دانشتیم. هنر و هنرمندان را کوچک شمردیم. آموزش و پرورش این "کارخانه بزرگ انسان‌سازی" را به "پایگاه سیاست" برای سیاست‌بازان تبدیل کردیم. در یک کلام نسلی سرگردان، نا امید و سرخورده تحویل جامعه دادیم.

اینها و بیشتر از این‌ها، گوشه‌هایی هستند از صحنه‌هایی آشنا در قالب نمایشی غم‌انگیز، تکراری و ملال‌آور در ایران شهر من‌وتو! سرزمینی که این روزها جماعتی از ساکنانش "صفا از کور می‌زدند"، نان از لشکر گرسنگان دریغ می‌دارند. آب از تشنگان مضایقه کرده، تن پوش از اندام تحیف برهنگان به در آورده و پوستین وارونه می‌پوشند و در لباس میش، اما در حیثت گرگ دم‌ار از روزگار "گله‌هاشده و سرگردان آبادی" در آورده و همچنان به اذیت و آزار و باره کردن "گوسفندان"، میدبه و بی‌بانه مشغولند و امر و نهی می‌کنند. سوار بر خر مراد، بار خود را بسته، پلکان زرقی را با ترفندهای آن‌چسانی به‌سرعت طی کرده و در این آشفته بازار با بهره‌گیری از ابزارهای دراختیار خود را "خدمت‌گذار ملت" جا زده.

ادامه در صفحه ۵